

راه طولانی

نگرش متفاوت به گفتگوی هسته‌ای

آنچه در گفتگوهای هسته‌ای ایران در معرض خطر است

کریم سجادیپور^۱ تحلیل‌گر و متخصص ایران در بنیاد کارنگی^۲ و جورج پرکوویچ^۳ و نایب‌رئیس برنامه سیاست هسته‌ای کارنگی^۴، در یادداشتی با عنوان «آنچه در گفتگوهای هسته‌ای ایران در معرض خطر است» به بحث و بررسی پرداخته‌اند. در این یادداشت اشاره شده که چند مولفه از جمله نقض توافق از سوی ترامپ، عدم اجرای تعهدات برجامی، خواستار غرامت اقتصادی از سوی ایران، عدم گفتگو مستقیم ایران و آمریکا (به صورت علنی) و... گفتگو هسته‌ای را در معرض خطر قرار داده است. اما در میان این خطرات نقطه اشتراکی که در تقابل با این ایران وجود دارند، جلوگیری از هسته‌ای شدن ایران می‌باشد.

در حالی که ایالات متحده، معتقد است تهران باید برنامه غنی‌سازی هسته‌ای خود را متوقف کند، گفتگوهای هسته‌ای با ایران، در وین از سر گرفته شده است، آن‌هم بعد از اینکه رئیس‌جمهور سابق، دونالد ترامپ^۵، در سال ۲۰۱۸، آمریکا را از برجام خارج کرد. در ادامه، کریم سجادیپور تحلیل‌گر و متخصص ایران در بنیاد کارنگی و جورج پرکوویچ و نایب‌رئیس برنامه سیاست هسته‌ای کارنگی، در مورد آخرین تحولات و آنچه در احیای مذاکرات در خطر است، سخن می‌گویند.

روند مذاکرات تاکنون چگونه بوده است؟
کریم سجادیپور: دولت جو بایدن، به دنبال یک بازگشت متقابل به توافق هسته‌ای است که ایران را

ملزم می‌کند، در ازای لغو تحریم‌ها، پیشرفت‌های هسته‌ای خود را به عقب بازگردانده و با نظارت‌های بیشتر موافقت کند. چون این ترامپ بود که به صورت یک جانبه از توافق خارج شد. تهران، معتقد است که ابتدا، آمریکا باید تحریم‌ها را بردارد و تضمین دهد که دولت آینده این کشور، توافق را نقض نخواهد کرد. تا این لحظه، چندان نمی‌توان خوش بین بود که ایران، برنامه هسته‌ای خود را به نقطه‌ای که در سال ۲۰۱۵ قرار داشت، برگرداند.

جورج پرکوویچ: دولت جدید ایران که در ماه ژوئن بر سر کار آمد، خواسته‌ها یا مواضع مختلفی را آزمایش کرد که پذیرش آن‌ها برای سایر کشورها و اتحادیه اروپا، دشوارتر از قبول پیشنهادهای دولت پیشین بود. مثلاً گفته شده که ایران، خواستار غرامت

1. Karim Sadjadpour
2. Carnegie Endowment for International Peace
3. George Perkovich
4. Carnegie's Nuclear Policy Program

5. Donald Trump

برای آسیب‌های اقتصادی شده که خروج دولت ترامپ از برجام، بر این کشور، وارد آورده است. همچنین، ایران به دنبال تغییر قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل در مورد برجام است تا در صورت نقض توافق احیاشده توسط آمریکا، بازگشت تحریم‌ها را سخت‌تر کند. طرف‌های دیگر به-علاوه اسرائیل و همسایگان عرب ایران، با زبان بازی صبورانه و انواعی از تهدیدها، تلاش کرده‌اند تا این کشور را به نقطه پایانی مذاکرات در زمان انتخابات برگردانند. موضع آمریکا صرفاً این است که به ایران، اطمینان دهد لغو تحریم‌ها بعد از دولت بایدن نیز ادامه پیدا می‌کند یا اینکه شرکت‌های تجاری بین‌المللی، اطمینان کافی پیدا کنند که در صورت همکاری با ایران، مشمول تحریم نخواهند شد. مقامات آمریکا به صورت مستقیم با ایران مذاکره نمی‌کنند. حال، ارتباط غیرمستقیم، چه تأثیری بر روند گفتگوها می‌گذارد؟

سجادپور: ایالات متحده از گفتگوهای مستقیم با ایران، استقبال می‌کند اما رهبر ایران مذاکره مستقیم را ممنوع کرده است (حداقل به صورت علنی). مذاکره کنندگان آمریکا، اظهار داشته‌اند که فقدان گفتگوی مستقیم، رفع بی‌اعتمادی و شکستن بن‌بست‌ها را دشوارتر می‌سازد، زیرا تمامی جزئیات، باید مجدداً از طریق

افراد گفتگوکننده - که احتمالاً نه واشنگتن و نه تهران، هیچ‌کدام اعتماد کامل به آن‌ها ندارند- بررسی شوند.

پرکوویچ: فقدان گفتگوی مستقیم، معضلی برای تمامی طرف‌های حاضر است. اوضاع مانند بازی قدیمی «تلفن» شده است، بدین معنا که در جریان انتقال پیام به طرف مقابل، بخشی از آن مفقود می‌شود. دشواری دیگر این است که کارشناسان فنی، نمی‌توانند به صورت مستقیم، با یکدیگر صحبت کنند و واسطه نیز ممکن است، تخصص مربوطه را نداشته باشد. هیچ حرکت خودجوشی وجود ندارد و روند پیشرفت مسائل، کند شده است.

چرا ایالات متحده تلاش می‌کند تا برای توافق، ضرب‌الاجل تعیین کند؟ سجادپور: هرچقدر زمان بیشتری بگذرد، ایران، توانایی هسته‌ای خود را بیشتر بهبود می‌بخشد و بندهای انقضای برجام نیز زودتر به زمان پایان خود، نزدیک خواهند شد. مثلاً در سال ۲۰۲۴، ایران، اجازه خواهد داشت تا از سانتریفیوژهای سریع‌تر استفاده کند؛ اقدامی که مسیر احتمالی اش به سمت ساخت سلاح را کوتاه‌تر خواهد کرد. در همان زمان، مقامات ایرانی دلیل خوبی دارند برای اینکه مذاکرات را سرعت ببخشند، چون کشور تا زمان دستیابی به یک راه‌حل کامل یا جزئی در موضوع هسته‌ای، تهدیدها

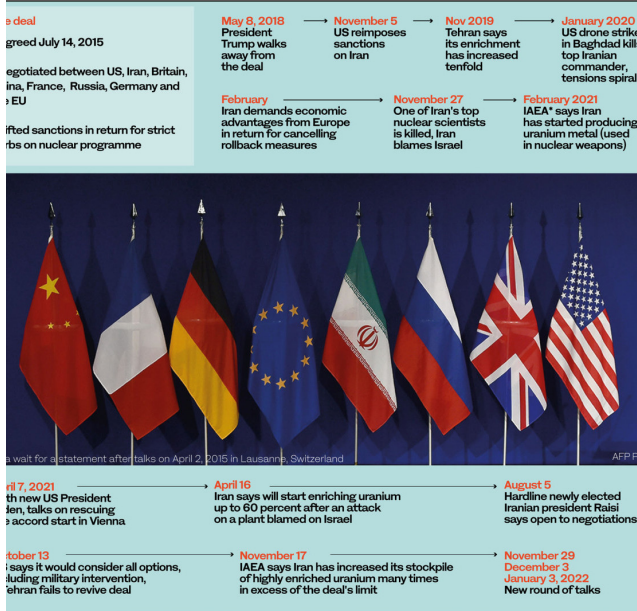
و فشارهای جدی اقتصادی را تجربه خواهد کرد.

پرکوویچ: فارغ از مسئله توانایی فنی، هرچقدر ایران، زمان بیشتری برای غنی‌سازی و ذخیره اورانیوم داشته باشد، به کسب توانایی ساخت سلاح هسته‌ای نزدیک‌تر خواهد شد. ضابطه‌ای که خوب یا بد، قبل از نهایی شدن برجام تعیین شد، این بود که ایران، باید حداقل یک سال از داشتن ماده شکاف‌ی کافی برای ساخت یک بمب اتمی، دورنگه داشته شود. هرچقدر ایران به داشتن آن مقدار مواد نزدیک‌تر شود، ایالات متحده یا اسرائیل، با فشار بیشتری برای انجام اقدام نظامی بازدارنده، مواجه خواهند شد. این مسئله، مانند ساعتی است که تیک تاک کرده و رسانه‌ها، کنگره آمریکا و دیگران، نظاره‌گر آن هستند و از آن برای امتیاز دادن به دولت بایدن و همچنین، طلب کردن انجام اقدام نظامی استفاده می‌کنند. این ضابطه و معیار از نظر راهبردی، چندان معنایی ندارد، اما این مسئله، باعث نمی‌شود که از اهمیت سیاسی آن کاسته شود.

این گفتگوها صرفاً ناظر به ایران و ایالات متحده نیستند. چین، روسیه و اروپا، چه نگرشی نسبت به این مذاکرات دارند؟

پرکوویچ: فرانسه مصمم است تا ایران را از دستیابی به سلاح هسته‌ای بازدارد و درعین حال، تلاش می‌کند تا از بروز جنگ در منطقه جلوگیری

MELINE OF IRAN NUCLEAR ACCORD



© International Atomic Energy Agency ARABN

نماید. انگلستان به دلایل گوناگون، بازگویی است که فعالیت چندانی ندارد. روسیه، هیچ قربانی با ایران ندارد و در واقع، نمی خواهد ایران به سلاح اتمی دست پیدا کند، اما می تواند در صورت شکست این گفتگوها، از بحران، بی ثباتی و قیمت بالای انرژی نفع ببرد. چین نیز نمی خواهد ایران به سلاح هسته ای دست پیدا کند زیرا دوست ندارد که قیمت انرژی بالا برود و خواهان دسترسی بیشتر به تأمین کالا برای اقتصاد ایران بوده و به صورت کلی با تحریم ها مخالف است، البته خود را در این مسئله، به خطر نمی اندازد. سجادپور: چین، اروپا، روسیه و ایالات متحده، دیدگاه های متفاوتی در مورد ایران دارند، اما وجه اشتراک آن ها، جلوگیری از ساخت سلاح هسته ای توسط ایران و همچنین، اجتناب از منازعه با این کشور است. به نظر من، با توجه به وابستگی اقتصادی و راهبردی تهران به پکن، چین، مهم ترین بازیگر این معادله است. اگرچه حل این مسئله برای چین منفعت دارد، اما این کشور به دلایل مختلف، تمایلی ندارد تا به ایران، فشار وارد کند؛ از جمله این دلایل، منازعه متقابل چین و آمریکا است.

آیا رئیس جمهور جدید ایران، رویکرد متفاوتی در مقایسه با پیشینیان خود اتخاذ می کند؟

سجادپور: رئیس جمهور ابراهیم رئیسی و تیم مذاکره کننده او، گرایش

متفاوتی نسبت به همتای سابقش، حسن روحانی و تیمش دارند. جهان بینی رئیسی مانند استادش آیت الله خامنه ای، مبتنی بر مقاومت در برابر آمریکا است نه همکاری با آن ها. به علاوه، هر دو معتقدند که دولت بایدن، خود را متعهد می داند تا توافق هسته ای را احیا کرده و حضور آمریکا در خاورمیانه را کاهش دهد و از این رو، آن ها می توانند بیشتر چانه زنی کنند و کمتر امتیاز بدهند.

پروکوویچ: این موقعیت برای هر دولتی دشوار خواهد بود. تصور کنید که کشور شما پس از سال ها مذاکره و تحریم، با دشمن دیرینه خود، به توافق رسیده است. شما اساساً به وعده خود (حداقل به اندازه طرف

مقابل) عمل کردید، سپس، دشمن اصلی شما رهبری جدید پیدا می کند (یک مرد بی ثبات، جاهل و عجیب) که تصمیم به نقض توافق گرفته و رنج بیشتری را بر مردم و دولت شما تحمیل می کند. اعضای دیگر شورای امنیت، گمان می کنند که اقدام آمریکا، اشتباه بوده است، اما با این حال، هیچ اقدام قابل توجهی برای اصلاح وضعیت انجام نداده اند. اکنون ایران، علی رغم اینکه چیزهای زیادی را از دست داده است، تحت فشار قرار گرفته تا به توافق اصلی بازگردد، آن هم بدون هیچ تضمینی از سوی آمریکا مبنی بر اینکه همان کار قبلی را در سه سال آینده، تکرار نخواهد کرد. چشم انداز روشنی وجود ندارد که

داشته باشد، مقامات این کشور، باید تلاش کنند تا هم از نزاع نظامی متعاقب آن، خلاصی بیابند و هم بر تحریم های همیشه دشواری که مردم را بیش از پیش علیه دولت تحریک می کند، فائق آیند. ایران، کره شمالی نیست؛ مردم ایران، انتظار به مراتب بیشتری دارند.

آن ها می دانند که سپاه، فاسد و سرکوبگر است و نمی تواند، به شکلی عادلانه یا مؤثر حکمرانی کند. سیاست-های خبیث صاحبان قدرت، مشکل مشروعیت دولت را تشدید می کند، به گونه ای که رقبا برای اجتناب از متهم شدن به مذاکره از روی ضعف، با یکدیگر

مراتب فراتر از غنی سازی اورانیوم تا سطح مورد نیاز برای ساخت بمب، اسرائیل یا آمریکا، به احتمال فراوان آگاه شده و برای جلوگیری از آن، دست به اقدام نظامی می زنند؛ بنابراین، در حالی که ایران، ممکن است خواهان سلاح هسته ای برای جلوگیری از حملات باشد، رهبران این کشور باید به دنبال راهی باشند تا خود و سلاح هایشان را در جنگی که آمریکا، اسرائیل و سایر کشورها برای مانع شدن جمهوری اسلامی از دستیابی به سلاح های هسته ای به راه می اندازند، نجات دهند. بدین ترتیب، حتی اگر ایران سلاح های هسته ای محدودی

شرکت های تجاری بین المللی بر ترس خود از تحریم های ثانویه آمریکا، غلبه کرده و با تهران تجارت کنند. برای هردولت جدیدی، این امر دشوار است که بگوید «بله ما مدارا و پذیرش نشان داده و آنچه شما می خواهید، فراهم نموده و نیز درک می کنیم که شما، نمی توانید وعده بیشتری به ما بدهید».

وقتی ایران به سلاح هسته ای دست پیدا کند، چه هدفی را دنبال خواهد کرد؟

سجاد پوز؛ اولین هدف جمهوری اسلامی، بقای آن است. بر اساس محاسبات این کشور در دو دهه گذشته، خطر سوق دادن برنامه هسته ای به سمت ساخت سلاح (حمله نظامی احتمالی از سوی آمریکا یا اسرائیل)، بیشتر از منافع آن است. نهاد اطلاعاتی آمریکا، معتقد است که ایران، هنوز برای ساخت سلاح هسته ای تصمیم نگرفته است. اگرچه هیچ بحث علنی و آشکاری در ایران نسبت به این موضوع جریان ندارد، اما من، گمان می کنم که تعداد فزاینده ای از مقامات ایرانی، معتقدند که سلاح هسته ای به جمهوری اسلامی در برابر فشار یا تهدیدهای آمریکا و اسرائیل مصونیت می بخشد.

پروکوویچ؛ ایران راه طولانی در پیش دارد، قبل از اینکه واقعاً به سلاح هسته ای دست پیدا کند. اگر این کشور، چنین سیاستی را در پیش بگیرد، یعنی انجام اقداماتی به



پرونده ویژه

پرکویج: نتیجه مطلوب، توافق است که محدودیت فعالیت‌ها و توانایی‌های هسته‌ای لازم برای ساخت سلاح هسته‌ای (و نه برای اهداف غیرنظامی) را تقویت کرده و توسعه دهد؛ اما این اتفاق، رخ نخواهد داد، مخصوصاً به این دلیل که ایالات متحده از نظر سیاسی، قادر نیست پیشنهاد «بیشتر در برابر بیشتر» را در قبال ایران مطرح کند. پس یک نتیجه خوب، بازگشت متقابل به برجام خواهد بود. احتمال وقوع

علیه دشمنان می‌خواهند. برجام، نتیجه بخش بود زیرا حاکمان ایران به توانایی کنترل و مقابله با خطر، دست پیدا کرده بودند و جهان نیز مطمئن شده بود که ساخت سلاح هسته‌ای توسط ایران، حتماً همراه خواهد شد با هشدارهای کافی برای توقف آن. این منطق اصولی (نداشتن سلاح هسته‌ای)، همچنان بهترین توافق موقت در دسترس برای ایران و دیگر کشورهای جهان است. نتیجه مطلوب برای غرب چیست؟

رقابت می‌کنند. از این رو می‌توان فهمید، چرا ادامه این اظهارات که ایران به دنبال سلاح هسته‌ای است، برای آمریکا، اسرائیل و سایرین زیان بخش است؛ زیرا باعث می‌شود، این‌گونه به نظر برسد که حاکمان ایران، حاضرند تا برای بازگشت به برجام، امتیاز مهمی را از دست بدهند، در حالی که به احتمال زیاد، رهبران ایران دانش فنی و توانایی پایه‌ای برای ساخت سلاح هسته‌ای را فقط به‌عنوان یک اهرم فشار



این مسئله، بیشتر از نتیجه مطلوب بوده اما همچنان، تحقق آن دشوار است، به خصوص، به دلیل سوء عملکرد یا بی مسئولیتی و اشنگتن که مانع حمایت دو حزب مخالف از مصالحه دیپلماتیک با دشمنان می شود. از این رو، یک پیامد قابل قبول و محتمل، عبارت است از استمرار وضعیت موجود؛ ایران، توانایی های هسته ای خود را ارتقاء داده تا نفوذ و قدرت بیشتری برای لغو جامع تر تحریم ها به دست بیاورد. آمریکا و سایر کشورها، تحریم ها را به این شکل لغو نکرده یا نمی توانند، لغو کنند اما در عوض، تلاش می کنند تا فشار بیشتری به ایران وارد آورند؛ همه طرف ها به سمت یک بحران شدید تر در حرکت هستند، با این امید که قبل از ورود به مرحله جدیدی از شرایط، تغییری حاصل شود. نتیجه خوب برای ایران چیست؟ سجادپور: ایران، ممکن است لغو کمی از تحریم ها را در مقابل کوتاه آمدن در برخی مسائل هسته ای بپذیرد؛ آن چیزی که گاهی «کم در برابر کم» نامیده می شود. نقطه مقابل این مسئله، نیل به توافقی است که اکثر تحریم ها را رفع می کند اما هم زمان از کشور می خواهد تا بخش بیشتری از فعالیت های هسته ای را متوقف کند. مادامی که ایران، بتواند به اروپا و آسیا نفت

بفروشد و از نظام مالی بین المللی بهره ببرد، حاکمان این کشور، علاقه ای به ادغام کامل در اقتصاد جهانی و جذب سرمایه های عظیم خارجی ندارند. این مسئله در طول چهار دهه گذشته، هرگز اولویت آن ها نبوده است. بعد از امضای برجام در سال ۲۰۱۵، حضرت آیت الله خامنه-ای هشدار داد که سرمایه گذاری خارجی، می تواند اسب تروجانی برای تغییر رژیم باشد. پرکوویچ: «کمتر در برابر کمتر»، به مراتب، بیشتر محتمل است تا «بیشتر در برابر بیشتر». همه منتقدان برجام و رؤسای جمهور دموکرات آمریکا، دولت بایدن را به دلیل پذیرش چنین توافقی، تقبیح و محکوم خواهند کرد، اما آن ها مسئولیت جنگ را به عنوان یک گزینه جایگزین نمی پذیرند. به علاوه، آن ها رویکرد دیگری نیز ندارند که بتواند، نتیجه بهتری فراهم آورد. به هر حال دولت ترامپ سیاست فشار حداکثری علیه ایران را در پیش گرفت و این اقدام، مولد تمامی محرک ها و اقداماتی شد که مردم، اکنون آن ها را تقبیح می کنند. این روزها در سیاست آمریکا، به آسانی می توان حامیان مصالحه با مخالفان خارجی یا داخلی را مورد هجمه قرارداد. این دلیل، آن است که اقدامات داخلی ما افضاح هستند

و ما در حل مسئله تغییر آب و هوا در داخل کشور یا در سطح بین المللی، ناتوان هستیم و همچنین، در مواجهه با دشمنان، نمی توانیم به یک پیشرفت دیپلماتیک دست پیدا کرده و خطر نابودی را کم کنیم. چه نشانه ها یا علامت هایی حاکی از یک توافق قریب الوقوع هستند؟ در نظر شما، چه عواملی نشان می دهند که گفتگوها، در معرض خطر شکست قرار دارند؟ پرکوویچ: نسبت به نشانه های شکست، بنده اظهارات مقامات فرانسوی و چینی را رصد می کنم. هر دو کشور در گفتگوها حضور داشته و منافع مهم اقتصادی و سیاسی در موفقیتشان وجود دارد؛ حداقل در اجتناب از جنگ در منطقه. سجادپور: خامنه ای در سپتامبر ۲۰۱۳، در سخنرانی برای سپاهیان، اظهار کرد که ایران در مسئله هسته ای، مصالحه کرده است. او اصطلاح «نرمش قهرمانانه» را برای این موضوع به کار برده و اظهار داشت که گاهی یک کشتی گیر باید عقب بنشیند تا برای مقابله با دشمن تجدید قوا کند. به بیان دیگر، ایران، آماده انجام مصالحه و مدارای موقت و فنی در مسئله هسته ای بود، اما با این وجود، ایالات متحده و ایران، همچنان دشمن باقی خواهند ماند. نسبت به مسئله آمادگی ایران برای کوتاه آمدن



که ایالات متحده به مذاکرات ادامه دار متعهد است.^۱

ها و بن بست های طولانی داشته باشیم، اما تمامی هفت کشور حاضر در مذاکرات، خواهان پیشگیری از شکست هستند. یقیناً، بخشی از چالش بیش روی دولت بایدن، این است که ایران، کاملاً مطمئن است

در این موضوع، سخنان خامنه ای، اغلب بهترین نشانه ها را در اختیار ما می گذارند. در هفته ها و ماه های آتی، احتمالاً خبرهای مهمی از خطر شکست مذاکرات، منتشر خواهد شد. اگرچه ممکن است که ماتنش

۱. منبع:

<https://carnegieendowment.org/2022/01/06/what-s-at-stake-in-iran-nuclear-talks-pub-86142>